پای درس علی(ع)

سنت امهال، مهم‌ترین آزمون الهی

امام علی(ع): «چه بسا کسی که با نعمت‌هایی که به او رسیده به دام افتد، و با پرده‌پوشی بر گناه، فریب خورد، و با ستایش شدن، آزمایش گردد. و خدا هیچ کس را همانند مهلت دادن نیازمود.»

نهج‌البلاغه- حکمت ۱۱۶

سالگرد شهادت آیت‌الله سید اسدالله مدنی

کوله‌بار تبعید بر دوش تا شهادت

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

«شیخ اسدالله مدنی، فعلاً کلیه امور شهر (همدان) زیر نظر وی انجام می‌شود و شهربانی تحت نظر ایشان است... فرمانده پادگان هم تلفناً همبستگی خود را اعلام و اظهار بندگی نموده که مراتب قبلاً به عرض رسیده است. فرماندار و تمام مدیران کل ادارات به منزل مدنی رفته ضمن اعلام همبستگی روش کار خود را از وی سؤال نموده‌اند. بازاریان و سایر طبقات مختلف مردم هم به همین منوال. ضمناً شیخ مدنی در تمام سخنرانی‌های خود مردم را به آرامش دعوت و از تهمت زدن و کشتن و آتش زدن منع نموده است...»[1]

این بخشی از سند ساواک درباره آیت‌الله سید اسدالله مدنی به تاریخ ۲۲ دی ماه ۱۳۵۷ است. یعنی همان روزی که تیتر اول روزنامه‌های صبح و عصر تهران خبر از تشکیل شورای انقلاب اسلامی می‌داد. شورایی که برای سازماندهی و هدایت انقلاب به رهبری حضرت امام خمینی از یاران مورد اعتماد ایشان تشکیل شده بود.

یعنی در حالی که حضرت امام، با گروهی از یاران خود شورای انقلاب را برای پیشبرد نهضت اسلامی تدارک دیده بودند اما گروهی از یاران ایشان نیز مانند آیت‌الله مدنی، آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله قاضی طباطبایی، آیت‌الله صدوقی، سید عبدالکریم هاشمی نژاد و... هم در نقاط مختلف ایران، به عملیاتی کردن اهداف شورای یاد شده و آرمان‌های امام اقدام نمودند.

این‌گونه یاران و شاگردان حضرت امام، در طول سال‌های تبعید و دوران مبارزات نهضت ایشان، گوشه گوشه این سرزمین را برای انقلاب اسلامی آماده ساختند. رژیم شاه برای خلاصی از افشاگری‌ها و روشنگری‌های این روحانیون مبارز، آنها را از شهر خودشان تبعید و به دیار دیگر می‌فرستاد ولی آنها در آن خطه نیز از پای نمی‌نشستند و درخلال برگزاری نماز جماعت و کلاس قرآن و مراسم دینی، مواضع و پیام‌های امام را بیان می‌کردند و به افشای رژیم شاه می‌پرداختند. از همین روی ناگزیر آنها را از تبعیدی به تبعید دیگر می‌فرستادند. اما یاران امام در تبعیدگاه جدید نیز از پای ننشسته و در واقع میدان دیگری برای روشنگری‌ها و افشاگری‌هایشان باز می‌کردند.

حتی یک روز هم آرام و قرار نداشت

آیت‌الله مدنی هم سابقه‌ای دیرین و طولانی در مبارزات نهضت امام و به رهبری ایشان داشت. او از زمان تحصیل در نجف و ابتدای پاگرفتن نهضت امام خمینی در مهرماه ۱۳۴۱، حتی یک روز هم آرام و قرار نگرفت و دستگاه‌های امنیتی شاه از جمله ساواک وی را روحانی افراطی طرفدار امام خمینی معرفی کردند. ساواک تقریبا ۸ سال پیش از گزارشی که در ابتدای این مطلب ذکر شد، در گزارشی دیگر درباره شهید مدنی نوشته بود:

«اسدالله مدنی در همدان به نفع [امام] خمینی فعالیت و بیش از یک‌سوم اهالی همدان را مقلد [امام] خمینی کرده است و در هر محفل و مجلسی از [امام] خمینی تمجید می‌کند و وی را اعلم مجتهد[مجتهد اعلم] قلمداد می‌نماید.»[2]

آن گونه که اسناد ساواک حکایت دارد، سید اسدالله مدنی به هر زندان و تبعیدی رفت آنجا را به کانون نهضت امام بدل ساخت. از جمله از سال ۱۳۵۱ و بعد از اینکه با حکم حضرت امام به عنوان نماینده و وکیل ایشان در خرم‌آباد فعالیت داشت، به دلیل اینکه قلب لرستان را به مرکز فعالیت‌های انقلابیون پیرو امام خمینی تبدیل کرده بود، در ۲۷ مهرماه ۱۳۵۴ به نورآباد ممسنی تبعید شد. آیت الله مدنی، نورآباد ممسنی را هم پایگاه دیگری برای نهضت امام و مبارزه علیه رژیم شاه کرد، به نحوی که مردم نقاط مختلف فارس از جمله، شیراز، کازرون و شهرهای دیگر، با ایشان دیدار نموده و ارتباط گرفته و از روشنگری‌های وی و پیام‌های امام مطلع می‌شدند.

از همین روی در پایان سال دوم حضور شهید مدنی در نورآباد، محل تبعید ایشان را به گنبدکاووس تغییر دادند. شهید مدنی در تاریخ ۱۷مرداد ۱۳۵۶، به وسیله مأمورانی تحت‌الحفظ به گنبدکاووس اعزام شد، ولی باز هم فعالیت‌هایش در گنبد، خواب را به چشمان رژیم شاه حرام کرد. او از بدو ورود به این شهرستان، روحانیون منطقه را تحت تاثیر قرار داد و مدرسه علمیه «منظریه» و مسجد جامع این شهر را به پایگاه مبارزاتی تبدیل نمود. تا جایی که در اوایل تیرماه ۱۳۵۷ به بندر کنگان تبعید شد. مدت اقامت آیت الله مدنی در بندر کنگان، سه هفته بیشتر طول نکشید. چراکه وی در این بندر، روزها در مدرسه علمیه به تدریس و تفسیر قرآن مشغول بود و ظهرها در مسجد جامع و شب‌ها در مسجد «کوزه‌گری» این شهر نماز جماعت اقامه می‌کرد و در واقع اهداف و آرمان‌های نهضت امامش را تشریح می‌نمود. این‌گونه بود که مجدداً محل تبعید آیت‌الله مدنی تغییر کرد و از تاریخ ۳ مرداد ۵۷، شهرستان مهاباد چهارمین تبعیدگاه این روحانی انقلابی شد.

زمان تبعید آیت‌الله مدنی در تاریخ ۶ مهرماه ۱۳۵۷ به پایان می‌رسید، ولی ایشان را تا ۱۴ مهرماه در مهاباد نگه داشتند و سپس پرویز ثابتی (رئیس اداره سوم ساواک) دستور داد که به تهران منتقل شود ولی پیش از آن، شهید مدنی مهاباد را ترک کرده و به قم رفته بود.

این‌گونه بود که آیت الله مدنی، این فقیه مجاهد و نستوه، کوله‌بار جهاد و مبارزه را از دوران جوانی بر دوش گرفت و از نجف و کربلا تا آذرشهر و همدان و خرم‌آباد و نورآباد و گنبد و کنگان و مهاباد، هر کجا رفت، با شهامت و شجاعت و اخلاص بی‌نظیر علیه شاه و استعمار افشاگری کرد و از نهضت رهبر و قائدش حضرت امام خمینی سخن گفت، در هر کجا قدم گذاشت، بذر انقلاب پاشید و پیام رهبر انقلاب را به گوش مردم رساند و آنان را به نهضت و انقلاب فراخواند.

حاکمیت نهضت امام قبل از پیروزی انقلاب

پس از بازگشت آیت‌الله مدنی به همدان پس از سال‌ها، با همکاری مردم انقلابی امور آن را در دست گرفت و تا زمان پیروزی انقلاب، همدان را به نخستین شهر آزاد شده از یوغ رژیم ستمشاهی بدل ساخت. چنان‌که از گزارش ساواک برمی‌آید، آیت‌الله مدنی در دی ماه ۱۳۵۷ در همدان و توابع آن، براساس رهنمودهای حضرت امام، تقریبا حکومتی جدای از رژیم شاه ایجاد نموده بود.

با توجه به گزارش مذکور مشخص می‌شود که آیت‌الله مدنی بر تمام اداره‌ها و سازمان‌ها و حتی شهربانی کنترل کامل داشت و در واقع پیش از پیروزی انقلاب و بازگشت رهبر انقلاب به کشور، شهر همدان را برای نظام مورد نظر ایشان آماده ساخته بود. حتی در یکی از گزارش‌های ساواک سخن از ایجاد پلیس اسلامی در این شهر است.[3]

از طرف دیگر شهید مدنی علاوه بر کنترل و تسلط بر اداره‌ها و شهربانی، مسائل مادی و رفاهی مردم شهر همدان را نیز نظم بخشیده و مانع از هر گونه اجحاف و فشار بر مردم می‌شد.

همین اقدام و متشکل نمودن مردم تحت حکومت و رهبری حضرت امام در همدان باعث شد تا در یکی از مهم‌ترین بزنگاه‌های تاریخی نهضت امام که لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه برای سرکوب قیام مردم تهران در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، عازم پایتخت بود، براساس فرمان صریح امام، با اقدام آیت‌الله مدنی مردم در مسیر کرمانشاه به همدان، راه عبور تانک‌های لشکر کرمانشاه را بسته و مانع از ادامه حرکت آنها به سوی تهران شدند که همین موضوع کمک فراوانی به پیروزی انقلاب در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن نمود.

مبارزه و انقلاب در بستر حرکت‌های آرام مردمی

اما وجه دیگر گزارش ۲۲ دی ماه ۵۷ ساواک، اذعان سرویس امنیتی رژیم شاه به نهضت مردمی امام و روحیه متین و ضد اغتشاش آیت‌الله مدنی بود. در گزارش فوق، اذعان شده بود که شهید مدنی «در تمام سخنرانی‌های خود، مردم را به آرامش دعوت و از تهمت زدن و کشتن و آتش زدن منع نموده است.» در همین مسیر بود که جامعه روحانیت همدان به کرات مردم را در راهپیمایی‌ها از هرگونه آتش سوزی و تخریب برحذر می‌داشت.

پیش از این نیز در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۷ ساواک همدان طی گزارشی به ریاست شهربانی این استان، از حرکت انقلابی و آرام شهید مدنی در همدان ابراز تعجب کرده بود که البته برای ساواک، شبهه برانگیز و غیرقابل اعتماد به نظر می‌رسید. در گزارش ساواک درباره شیوه مبارزاتی آیت‌الله مدنی چنین آمده بود:

«با توجه به اینکه یاد شده از بدو ورود، ظاهرا اهالی را دعوت به آرامش نموده و حتی از ایذاء و آزار مامورین انتظامی توسط اهالی جلوگیری به عمل آورده است، از این رو وجهه‌ای بین رؤسای ادارات و فرماندهان و مامورین کسب نموده که امکان دارد این عمل به منظور گمراه کردن نیروهای انتظامی منطقه باشد تا در فرصت مناسب ضربه غیر قابل جبرانی به مامورین وارد آورند.»[4]

آیت‌الله مدنی در دو سال و نیمی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قید حیات بود، تمام و کمال در خدمت نظام نوپای برآمده از انقلاب و امام محبوبش قرار داشت. او به عنوان نماینده امام در آذربایجان و در سنگر امامت جمعه تبریز با توطئه‌های بسیاری از سوی ضد انقلاب درگیر شد و مهم‌ترین فتنه‌ها از جمله فتنه حزب به اصطلاح خلق مسلمان را برای تجزیه آذربایجان با شکست مواجه ساخت. لباس رزم پوشید و به جبهه‌ها رفت و با همان زهد و تقوا و حسن خلق مثال‌زدنی‌اش، حتی دشمنان خود (همان ماموران و نظامیان شاهنشاهی) را هم جذب می‌کرد و با همان آرامش و روحیه به غایت مردمی‌اش، تبریز و آذربایجان را به یکی از دژهای تسخیرناپذیر انقلاب و نظام اسلامی بدل ساخت و همین خار چشم دشمنان اسلام و انقلاب شد که طرح شهادتش را ریختند.

آیت‌الله مدنی که امامش، او را «عالم عادل عالیقدر و معلم اخلاق و معنویات» نامید، در ۲۰ شهریور ۱۳۶۰، توسط شقی‌ترین افراد روزگار یعنی تروریست‌های منافق در همان سنگر همیشگی‌اش یعنی نماز جمعه و جماعت و در حلقه پرشور مردمی که دوست داشت و دوستش داشتند، به شهادت رسید.

۱- کتاب یاران امام به روایت اسناد ساواک ۴- شهید آیت‌الله سید اسدالله مدنی - صفحات ۶۰۴ و ۶۰۵- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات- چاپ اول- ۲۰ شهریور ۱۳۷۷ ۲- همان - صفحه ۶۰۲
۳- همان - صفحه ۵۹۹ ۴- همان - صفحه ۱۸۴

در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد

رهبر انقلاب: دست دشمن آنگونه که ادعا می‌کند پُر نیست

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد تاکید کردند که دست دشمن آنگونه که ادعا می‌کند، پُر نیست.

بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد به شرح ذیل است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز و خواهران عزیزی که تشریف دارید. اوّلاً من صمیمانه تشکّر می‌کنم از همه شما برای اینکه توجّه کردید به این وظیفه بزرگ و فریضه عظیم؛ یعنی زنده نگهداشتن یاد شهدا. «شهادت» یک ذخیره است؛ فداکاری جوان‌های یک ملّت یک پشتوانه عظیم معنوی و مادّی برای پیشرفت یک ملّت است. این را باید نگه داشت، این را باید حفظ کرد؛ نباید گذاشت از دست برود، به فراموشی سپرده بشود یا احیاناً تحریف بشود. اهمّیّت کار شما این‌جا است که این ذخیره را دارید حفظ می‌کنید.

بیاناتی که آقای امام‌جمعه محترم بیان فرمودند و همچنین نوشته بسیار خوبی که برادر سپاهی‌مان خواندند، هر دو شامل مطالب درست و خوبی است. در مورد سفارش به مسئولین، من ان‌شاءالله سفارش خواهم کرد به مسئولین محترم؛ آقای عارف اینجا تشریف دارند، به آقای رئیس‌جمهور هم ان‌شاءالله خواهم گفت. و امیدواریم که این مردم درخور شأن‌شان و ارزش معنوی و ملّی‌شان برای کشور، مورد توجّه قرار بگیرند.

استان کهگیلویه و بویراحمد ـ یعنی آن مجموعه؛ حالا به شکل استان یا به هر شکل دیگری که قبلاً بوده ـ سابقه فداکاری و مجاهدتش خیلی طولانی است، که اشاره کردند. حالا دوره‌های قبل که به جای خود، [امّا] در دوره ما آنچه من یادم هست، از اوّل شروع مبارزات، سال ۴۲، جدّ آقا ـ پدر مرحوم آقای ملک‌حسینی ـ که عالم بزرگی بودند در آن منطقه، یک اطّلاعیّه‌ای دادند که اطّلاعیّه ایشان جزو اطّلاعیّه‌های کم‌نظیر بود؛ یعنی قوی و شجاعانه بود و دستگاه هم [روی آن] حساب می‌کرد، چون می‌دانست که اگر ایشان دستور جهاد بدهد به مردم عشایری منطقه، جهاد خواهند کرد، کمااینکه کارهایی هم انجام گرفت. همان اوقات، دستگاه از یک قوم دیگری که آن قوم هم قوم عزیزی است، خواسته بود که اینها بروند با مردم عشایری منطقه بویراحمد بجنگند که یک عالِم سنّی در آنجا مانع از این کار شد. ما اینها را توجّه داشته باشیم که سوابق ارتباطات مذهبی و ملّی و قومی ما در این کشور چگونه است. یک مولوی اهل سنّت نگذاشت که نقشه رژیم برای ایجاد جنگ بین قوم بلوچ و عشایر کهگیلویه و بویراحمد اتّفاق بیفتد؛ مانع شد، نگذاشت، فتوای خلاف داد. اینها سوابق این منطقه است.

در جریان دفاع مقدّس و جنگ تحمیلی هم انصافاً خیلی خوب وارد شدند؛ هم بعد از آنکه تیپ فتح تشکیل شد، و هم قبل از اینکه تیپ فتح تشکیل بشود ـ که عناصر [آن] در دستگاه‌های مختلف متفرّق بودند ـ عناصر مبارز این منطقه تلاش‌های زیادی کردند، کارهای خوبی کردند.

خاطراتی از آن وقت وجود دارد که حالا اینها در مسائل و گزارش‌های تاریخی دفاع مقدّس مضبوط است. مثلاً یک گردان تیپ فتح، در جزیره مجنون، دو سه روز در مقابل یک لشکر بزرگ بعثی عراقی ایستادگی کرد، مقاومت کرد، عقب‌نشینی نکرد. البتّه شهید دادند، امّا توانستند منطقه را حفظ کنند؛ یعنی از این کارها هم در آنجا، در تاریخ و حافظه تاریخی دفاع مقدّس ثبت است.

من یک جمله عرض بکنم: یکی از پایه‌های جنگ روانی دشمنان هر ملّتی و بیش از همه در زمان ما، ملّت عزیز خود ما و ایران اسلامی ما، این است که دشمنان این ملّت را بزرگ‌نمایی کنند؛ از اوّل انقلاب این وجود داشته. دائماً از طرق مختلف به ملّت ما تفهیم می‌شده، القا می‌شده و تزریق می‌شده که بترسید؛ از آمریکا بترسید، از صهیونیست‌ها بترسید، از انگلیس بترسید، از مانند اینها بترسید؛ دائم این‌جور بوده. یکی از هنرهای بزرگ امام بزرگوار این بود که این ترس را از دل‌های ملّت بیرون آورد، به ملّت احساس اعتماد داد، احساس خودباوری داد؛ ملّت احساس کردند که یک نیرو و توان درونی دارند که به اتّکاء آن می‌توانند کارهای بزرگ انجام بدهند و دشمن هم نمی‌تواند و دستش آن‌چنان که وانمود می‌کند پُر نیست.

این حرکت جنگ روانی دشمن وقتی در عرصه نظامی وارد می‌شود، نتیجه‌اش ترس است، عقب‌نشینی است که قرآن کریم این عقب‌نشینی را در واقع موجب غضب الهی بیان کرده و تبیین کرده؛ وَ مَن یُوَلِّهِم یَومَئِذٍ دُبُرَهُ اِلّا مُتَحَرِّفاً لِقِتالٍ اَو مُتَحَیِّزاً اِلی فِئَةٍ فَقَد باءَ بِغَضَبٍ مِنَ الله؛ اگر چنانچه در مقابل دشمنی که مهاجم به شما است ـ انواع مهاجم هست، حالا یک وقت مهاجم با شمشیر و در میدان، روبه‌رو و سینه‌به‌سینه است، یک وقت مهاجم تبلیغاتی است، یک وقت مهاجم اقتصادی است، یک وقت مهاجم نظامی است با ابزارهای جدید ـ عقب‌نشینی غیر تاکتیکی کردید ـ گاهی اوقات عقب‌نشینی هم یک تاکتیک است مثل پیشروی، که آن عیب ندارد؛ اِلّا مُتَحَرِّفاً لِقِتالٍ اَو مُتَحَیِّزاً اِلی فِئَةٍ؛ تاکتیک این است ـ اگر غیر از این موارد عقب‌نشینی کردید، فَقَد باءَ بِغَضَبٍ مِنَ الله. در میدان نظامی این[جور] است؛ در میدان سیاسی هم عیناً همین‌جور است [موجب خشم الهی می‌شود].

در میدان سیاسی هم بزرگ‌نمایی دشمن موجب می‌شود انسان احساس کند که خودش در انزوا است، احساس کند که ضعیف است، احساس کند از عهده او برنمی‌آید؛ نتیجه‌اش این است که تسلیم خواسته‌های او بشود؛ [بگویند] این کار را بکنید، چَشم؛ آن کار را نکنید، چَشم؛ کمااینکه الان انواع و اقسام دولت‌هایی هستند با ملّت‌های بزرگ و کوچک که اینها این‌جوری هستند؛ هرچه بهشان گفته بشود، در مقابل، «چَشم» است؛ از خودشان اراده‌ای ندارند. حالا در پشت میز دیپلماسی و مذاکرات دیپلماسی البتّه آداب و شرایطی وجود دارد. آن چَشم را به شکل‌های مختلف می‌شود گفت؛ امّا در واقع [همان] چَشم است که شما می‌بینید. در حالی که همان‌ها اگر به ملّت‌های خودشان تکیه بکنند، اگر به توانایی‌های داخلی خودشان تکیه کنند، اگر حقیقت موجودیّت آن دشمن را بشناسند و بدانند که دستش آن‌قدرها که وانمود می‌کند پُر نیست، می‌توانند نگویند چَشم؛ امّا اینها را توجّه نمی‌کنند، می‌گویند چَشم. این در میدان سیاست.

در میدان فرهنگ هم این بزرگ‌نمایی یک جور دیگر خودش را نشان می‌دهد؛ احساس انفعال، مجذوب فرهنگ طرف مقابل شدن، فرهنگ خودی را تحقیر کردن، به پایبندی به فرهنگ بیگانه افتخار کردن. یک عدّه‌ای هستند که وقتی حرف می‌زنند یا وقتی چیز می‌نویسند، افتخار می‌کنند که یک لغت فرنگی به کار ببرند؛ افتخار می‌کنند که تعبیر ایرانی‌اش را به کار نبرند، تعبیر فرنگی‌اش را به کار ببرند. حالا یک وقت هست که شما یک مقابل ایرانی ندارید، [مثلاً] تلویزیون، تلویزیون است؛ ما یک لغت ایرانی برای آن نداریم؛ اگرچه می‌شد همان اوّلی که آمد، برای آن لغت گذاشت، امّا حالا مجبوریم آن را بگوییم تلویزیون. امّا [در مورد] خیلی از لغات متعارف رایج در زبان بعضی‌ها که فرنگی است، ما الزامی نداریم؛ یکی از نتایج آن بزرگ‌نمایی این است که فرهنگ او را، رسومات او را، آداب زندگی او را، سبک زندگی او را قبول می‌کنیم، می‌پذیریم؛ ببینید، خب، این جنگ روانی دشمن است.

آن که در مقابل این جنگ روانی با تمام وجود ایستاد، او کیست؟ همان جوان‌هائی هستند که شما الان دارید برایشان بزرگداشت برگزار می‌کنید، دارید آنها را بزرگ می‌دارید، که واقعاً هم بزرگند. آن جوانِ اهل فلان نقطه کشور، فلان شهر، فلان قوم، فلان استان که می‌رود در مقابل دشمن می‌ایستد، نه در میدان نظامی احساس خوف می‌کند، نه تحت تأثیر حرف‌های سیاسی او قرار می‌گیرد، نه فرهنگ او را می‌پذیرد، او همین موجودی است که باید از او قدردانی کرد و قدرشناسی کرد؛ او است که در مقابل این جنگ روانی با همه وجود ایستاده؛ این را زنده کنید. در این بزرگداشت‌ها این حقیقت را مجسّم کنید و نشان بدهید. این حرف من است.

همه این چیزهایی که شما گفتید: دست‌نوشته‌ها، کتاب‌ها، فیلم‌ها، بزرگداشت‌ها، نام‌گذاری کوچه و خیابان و ورزشگاه و غیره، خوب است، همه اینها لازم است. بعضی از اینها که کهنه می‌شود. یعنی مثلاً شما اسم خیابان را که به اسم شهید می‌گذارید، خب خیلی خوب است، امّا سه چهار سال که گذشت، مردم می‌گویند «خیابان شهید بهشتی»، و اصلاً به یاد شهید بهشتی هم نمی‌افتند. شما الان مثلاً [می‌خواهید بروید] خیابان شهید بهشتی، [می‌پرسند] کجا می‌روید آقا؟ [می‌گویید] خیابان شهید بهشتی؛ اصلاً انسان به یاد بهشتیِ شهیدِ عزیز هم نمی‌افتد. بعضی‌هایش که این‌جوری است؛ عیبی ندارد، در عین حال بگذارید. بعضی‌هایش که ماندگار است مثل فیلم، بیشتر از همه کتاب ـ اینها البتّه ماندگار است ـ اینها را باید کاری کنید که خروجی داشته باشد. یعنی شما کتاب را چاپ می‌کنید، خیلی خب، چند نفر این کتاب را می‌خوانند؟ چند نفر وقتی خواندند، از آن یادداشت برمی‌دارند؟ چند نفر وقتی که با رفقایشان در حلقه‌های دوستانه نشستند، از این یادداشت‌ها استفاده می‌کنند و اینها را با همدیگر تبادل می‌کنند؟ اینها را مورد نظر قرار بدهید. ببینید راه این چیست؛ چه کار می‌توانید بکنید که این کتاب ـ که ماندگارتر از همه هم کتاب است؛ از فیلم و مانند اینها ماندگارتر است ـ بتواند یک تحوّل ایجاد کند در آن کسی که کتاب را می‌خواند.

خب ما در کشور چند ده میلیون جوان داریم؛ شمارگان چاپ این کتاب مثلاً فرض کنید که حالا اگر ده بار چاپ بشود، ده تا دو هزار تا ـ که حدّاکثر [تعداد هر چاپ] است ـ می‌شود بیست هزار جلد؛ بیست هزار جلد در مقابل بیست میلیون خیلی رقم کوچکی است. کاری کنید که اوّلاً بیست هزار نفر بخوانند، و همان بیست هزار نفری که می‌خوانند این کتاب را، به معنای واقعی کلمه، این شخصیّت، این کسی که شما توصیفش کردید، چهره‌نگاری کردید، در سبک زندگی آنها، در وجود آنها، در فکر آنها، فرهنگ آنها اثر بگذارد؛ همّت‌تان باید این باشد. من همیشه به این جمع‌هایی که برای بزرگداشت شهدا می‌آیند با ما دیدار می‌کنند ـ مثل شما ـ این را توصیه می‌کنم: خروجی‌ها را در نظر بگیرید؛ صرف کار کافی نیست. این کارها ابزار است؛ ابزار [هم] برای یک نتیجه است. والّا [اگر] شما یک آچار داشته باشید، هیچ استفاده‌ای از آن نکنید یا مثلاً به درد باز کردن پیچ و مهره شما نخورد، این فایده‌ای ندارد. باید کاری باشد، چیزی باشد، ابزاری باشد که بتواند اثر کند.

ان‌شاءالله خداوند شماها را موفّق بدارد، مؤیّد بدارد؛ شهدای عزیز آن منطقه را، آن استان را خداوند رحمت کند، درجات‌شان را عالی کند، شفاعت‌شان را نصیب ما کند، ما را هم به فضل و لطف خودش به آنها ملحق کند.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

پزشکیان در دیدار کارکنان و مدیران وزارت اطلاعات:

نتیجه عمل وزارت اطلاعات باید ارتقای امنیت و حفظ سرمایه‌های مادی و معنوی کشور باشد

رئیس‌جمهور کارکنان و مدیران وزارت اطلاعات را سربازان گمنام و بی‌ادعای واقعی خواند و گفت: نقش شما در تامین و ارتقای امنیت کشور بی‌بدیل است، لذا باید نتیجه زحمت شما حفظ سرمایه‌های مادی و معنوی و منابع انسانی کشور باشد. نباید نسبت به خروج نخبگان و سرمایه‌های مادی کشور بی‌تفاوت باشیم و باید ریشه‌های آن را شناسایی کرد و خشکاند.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در دیدار با مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات به مناسبت چهلمین سالگرد تاسیس این مجموعه، قدم اول برای آبادانی و ساختن کشور را رفع اختلافات و دعواهای بی‌مورد دانست و تصریح کرد: اگر به تکالیف سند چشم‌انداز عمل کرده بودیم، امروز وضعیت کشور متفاوت از شرایط فعلی بود.

وی با تاکید بر اینکه باید با تمام وجود باور کنیم که باید، می‌خواهیم و می‌توانیم بهترین در منطقه باشیم، افزود: ما قرار بود بر اساس سند چشم‌انداز به جایگاه اول منطقه برسیم، اما امروز باید از خود بپرسیم آیا راهی که در حال پیمودن آن هستیم، ما را به این هدف می‌رساند؟

رئیس‌جمهور با بیان اینکه اگر هدف را دقیق بشناسیم، راه‌های رسیدن به آن را پیدا خواهیم کرد، اظهار داشت: ما نباید به دنبال این باشیم که افراد نزدیک به خودمان در مناصب مختلف قرار بگیرند، بلکه باید به دنبال آن باشیم که توانمندترین افراد برای اجرای تکالیف سند چشم‌انداز و سیاست‌ها و قانون برنامه روی کار بیایند؛ اگر فردی در منصبی قرار گرفت که توان اجرای مسئولیت‌ها و وظایف آن منصب را نداشت، آیا حضور او خدمت به کشور است یا خیانت؟!

پزشکیان با اشاره به اینکه اگر نتیجه حضور ما در یک منصب ایجاد رضایتمندی در مردم باشد، انقلاب، ولایت و جمهوری اسلامی تثبیت و تقویت شده است، اضافه کرد: ایجاد رضایتمندی نزد مردم محصول وحدت و وفاق است نه اختلاف و دعوا؛ با خدمت بی‌منت و خالصانه به مردم می‌توان رضایت آنها را جلب کرد نه با دستور و سخت‌گیری‌های بی‌مورد. اگر امروز در کشور مشکلات مختلف اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی داریم ریشه آن در رفتار مدیریتی ماست که بر اساس سنت خدا و رسولان نبوده است.

وی با بیان اینکه مشکل مردم عمل و رفتار ماست، گفت: اگر توانستیم در عمل نشان دهیم که راه امامان ما کدام است، اعتقاد و باور مردم تقویت خواهد شد، اما اگر رانت‌خواری و گروه‌بازی کردیم، هر قدر هم حرف‌های خوب بزنیم مردم عمل ما را می‌بینند و به حرف‌های ما توجهی نخواهند کرد. اگر درست عمل نکردیم، هر قدر هم حدیث و آیه بخوانیم بی‌فایده است و با ایجاد ذهنیت ریاکاری نزد مردم، بیشتر به اعتقادات آنان ضربه خواهیم زد.

رئیس‌جمهور کارکنان و مدیران وزارت اطلاعات را سربازان گمنام و بی‌ادعای واقعی خواند و خاطرنشان کرد: نقش شما در تامین و ارتقای امنیت کشور بی‌بدیل است، لذا باید نتیجه زحمت شما حفظ سرمایه‌های مادی و معنوی و منابع انسانی کشور باشد. نباید نسبت به خروج نخبگان و سرمایه‌های مادی کشور بی‌تفاوت باشیم و باید ریشه‌های آن را شناسایی کرد و خشکاند.

پزشکیان در بخش دیگری از سخنانش با تاکید بر اینکه نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که نخبگان خودشان را به ما عرضه کنند، بلکه باید به دنبال شناسایی و جذب آنها باشیم، گفت: ما برای اجرای تکالیف سند چشم‌انداز نیاز به کمک نخبگان داریم، اما باید در نظر داشته باشیم که جذب این افراد با دستور ممکن نیست، بلکه باید محترمانه از آنان خواهش کنیم تا به یاری ما بیایند.

وی تاکید کرد که اگر چه پیاده کردن افراد از قطار انقلاب راحت است، اما سوار و همراه کردن آنها به هیچ وجه کار راحتی نیست، لذا باید مراقبت کنیم که نتیجه عمل ما به هیچ وجه باعث نشود که کسی بی‌جهت و ناروا از قطار انقلاب پیاده شود.

پیش از سخنان دکتر پزشکیان، وزیر اطلاعات در اظهاراتی ضمن تبریک فرارسیدن ایام ماه ربیع، گزارشی از تلاش‌ها و اقدامات سربازان گمنام امام زمان(عج) ارائه کرد.

در پایان این مراسم رئیس‌جمهور حکم وزارت اطلاعات دولت چهاردهم را تقدیم حجت‌الاسلام والمسلمین سید اسماعیل خطیب کرد و با حضور دکتر پزشکیان و وزیر اطلاعات از خانواده سه تن از شهدای وزارت اطلاعات تقدیر شد.

راهکارهای مقابله با مواد مخدر باید مبتنی بر کنترل تقاضای مصرف بازتعریف شود

همچنین مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در جلسه ستاد مبارزه با مواد مخدر که برگزار شد، معضل اعتیاد را یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه و زمینه‌ساز اکثر جرایم و مفاسد اجتماعی عنوان کرد و با تاکید بر ناکارآمدی شیوه‌های اجرا شده برای مقابله با این معضل در کشور طی سال‌های گذشته گفت: مشاهده آمار و نتایج شیوه‌های موفق اجرا شده در زمینه مقابله با قاچاق و کاهش مصرف مواد مخدر در برخی کشورها نشان می‌دهد، به رغم تلاش‌ها و زحمات بسیاری که در این زمینه در کشور صورت گرفته، همچنان با شرایط مطلوب فاصله زیادی وجود دارد و این مهم بازنگری و تغییر در روش‌ها با نگاهی به تجربیات موفق صورت گرفته در دیگر نقاط جهان را ضروری می‌سازد.

وی عدم پایش و کنترل تقاضای مصرف و تمرکز بر جلوگیری از عرضه را از جمله اشتباهات صورت گرفته در زمینه مبارزه با مواد مخدر عنوان کرد و افزود: تا زمانی که تقاضا وجود داشته باشد، جلوگیری از توزیع و عرضه مواد مخدر ناممکن خواهد بود، بنابراین راهکارهای مقابله با مواد مخدر باید مبتنی بر کنترل و کاهش تقاضای مصرف باشد.

رئیس‌جمهور شناسایی جمعیت در معرض خطر ابتلا به اعتیاد، توسعه پیشگیری و آموزش به این قشر، تحت پوشش قرار دادن مبتلایان با هدف کنترل، کاهش مصرف و درمان و در نهایت توانمندسازی آنها برای بازگشت به جامعه را از جمله راهکارها و روش‌های موفق تجربه شده در مقابله با مواد مخدر دانست و با تاکید بر اهمیت و ضرورت استفاده از ظرفیت مراکز بهداشت در این زمینه گفت: اگر مراکز بهداشت سراسر کشور، در قالب برنامه‌ای مدون و منسجم، افراد مبتلا به اعتیاد در جامعه هدف خود را به طور دقیق شناسایی و به منظور کنترل و کاهش مصرف، آنها را تحت پوشش قرار دهند، علاوه بر کنترل تقاضا و درمان تدریجی معتادین، توزیع و عرضه مواد مخدر نیز به شدت کاهش خواهد یافت.

پزشکیان همچنین با تاکید بر اهتمام ویژه دولت نسبت به ارائه خدمات مددکاری به افراد مبتلا به اعتیاد در جامعه تصریح کرد: این افراد برای نجات و رهایی از این شرایط نیازمند کمک ما هستند و دولت نیز در این زمینه خود را مسئول و موظف می‌داند و قطعا اقدامات لازم را برای درمان، ایجاد اشتغال و تامین معیشت و زندگی آنها انجام خواهد داد.

رضایتمندی یا نارضایتی ارباب رجوع از مبانی پرداخت حقوق و مزایا قرار گیرد

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور همچنین در جلسه هیئت دولت پس از معرفی و تایید انتصاب مدیر عامل شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران و رئیس بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران از سوی هیئت وزیران، ضمن تبریک و آرزوی موفقیت برای آنان، اصلاح ساختارها و رویه‌ها با هدف جلب و ارتقای رضایتمندی عمومی از خدمات دستگاه‌های دولتی و عمومی را محور عمل و هدف غایی دولت چهاردهم عنوان کرد.

وی از مدیر جدید شرکت راه‌آهن و رئیس جدید بیمه مرکزی ایران خواست تا با یافتن راهکارهای خلاقانه و نوآورانه بر مشکلات موجود در مسیر ارتقای کارآمدی، بهره‌وری، کیفیت خدمات‌رسانی و افزایش رضایتمندی مردم از خدمات مجموعه‌های تحت مدیریت خود بکوشند و گفت: بنای ما در دولت چهاردهم این است که فارغ از انتساب افراد به جناح‌ها و احزاب، توانمندترین افراد را برای مدیریت شرکت‌ها و مجموعه‌های زیر نظر د